

از دیرباز شیوه‌ها و راه‌های بهبود آموزش مواد درسی از سوی برنامه‌ریزان نظام‌های آموزشی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. اغلب آنان بدون در نظر گرفتن اصول آموزشی و عوامل مؤثر بر یادگیری، روش‌های واحدی در تدریس مواد درسی به کار می‌بستند و مصرانه می‌کوشیدند تا مفاهیم، اطلاعات و مبانی نظری و عملی علوم تجربی و انسانی را به دانش‌آموختگان انتقال دهند اما امروزه تجربیات و تحقیقات ثابت کرده است که استفاده از روش‌های گوناگون در آموزش نه تنها فرآیند یاددهی-یادگیری را هدفدار بلکه این جریان را برای دانش‌آموزان جذاب می‌کند.

تاکون‌الگوهای زیادی را در

شماره‌های گذشته بررسی کردیم و

گفتیم که آگاهی از اصول نظری

و به کارگیری آن‌الگوها در

تدریس جزو رسالت‌ها و

وظایف حرفه‌ی معلمي

است. دل‌بستگی شدید به

یک روش خاص این باور

را به وجود می‌آورد که

روش‌های دیگر عملی

نبوده یا قابل اجرا نیستند.

ضروری است که هر کدام از

این‌الگوها را حداقل یک بار به

کار بریم تا از ظرایف و دقایق آن

در تعمیق یادگیری درس مورد نظر

مطمئن شویم. بنابراین نیازی نیست

تصور کنیم که باید در طول یک دوره‌ی

تحصیلی فقط از یک‌الگو استفاده کنیم.

به زعم بسیاری از صاحب‌نظران و

متخصصان آموزشی، نظام‌های آموزشی کنونی

شیوه‌هایی را توصیه و تأکید می‌کنند که

دانش‌آموزان را بیش از همه در تدریس دخیل و

سهمیم کند. در این دیدگاه مخاطبان نقشی فعال

دارند و می‌توانند میزان یادگیری و یا علل

ضعف در یادگیری خویش را ارزیابی کنند.

اطلاعات و مهارت‌هایی را فرامی‌گیرند که

می‌توانند متون مختلف درسی را مطالعه و

تحلیل و درک کنند. بنابراین واجب است که

روش‌های تدریس نوین را یاد گرفته در آموزش

زبان و ادبیات فارسی به کار گیریم تا در نهایت،

آن اطلاعات و مهارت‌ها در دانش‌آموزان ایجاد و تقویت شود.

یکی دیگر از الگوهای تدریس، الگوی

یادگیری از طریق همیاری است. این‌الگو در

آغاز توسط جان دیویی مطرح شد و بعدها افراد

دیگری آن را تکمیل کردند. طی سال‌های

گذشته پژوهش‌ها و مطالعات گسترده‌ای

درباره‌ی کاربرد این‌الگو در آموزش دروس

صورت گرفته است که همگی حاکی از تأثیر

مثبت آن بر آموزش و یادگیری است. در ایران

نیز کوشش‌های پیگیری به وسیله‌ی مسئولان

اعضای گروه، طرح قضاوت عمل و طرح روشن‌سازی طرز برخورد» وجود دارد که در این شماره به تناسب ماهیت درس زبان و ادبیات فارسی، طرح کارآیی گروه بررسی می‌شود.

اصول اساسی الگوی همیاری (روش کارآیی گروه)

«همیاری» یعنی با هم کار کردن به منظور اشتراک در تولید یک محصول علمی، فرهنگی و ادبی. در عرصه‌ی آموزش مراد از آن کار کردن عده‌ای از دانش‌آموزان در امر تدریس است. همیاری یک الگوی منظم یادگیری است که در آن اعضای یک گروه (تیم) از طریق برقراری ارتباط‌های مستمر و منظم، مطالبی را از همدیگر می‌آموزند. در این‌الگو دانش‌آموزان در یادگیری درس شرکت فعالی دارند.

«انگیزه» رکن اساسی این‌الگو را تشکیل می‌دهد و بیش از همه علاقه و انگیزه‌ی مخاطبان را تقویت می‌کند. روش کارآیی گروه

یکی از روش‌های رایج در الگوی همیاری است. در این روش هر یک از اعضای گروه قبل از شروع بحث و گفت‌وگو میزان اطلاعات خود

را درباره‌ی درس جدید ارزیابی می‌کند. بعد متن مربوط به درس مطالعه می‌شود. سپس هر دانش‌آموز به سؤالاتی که در اختیار دارد پاسخ می‌دهد. پس از آن اعضای هر گروه درباره‌ی پاسخ سؤالات گفت‌وگو می‌کنند تا به توافق برسند. بعد دانش‌آموزان با توجه به پاسخ‌نامه‌ای که در اختیار دارند به خودشان نمره می‌دهند. بالاخره در پایان، افراد عملکرد فردی و گروهی خود را ارزیابی می‌کنند. یکی از ویژگی‌های مثبت این روش احساس مسئولیت افراد در قبال همدیگر است.

در این روش معلم درس را توضیح نمی‌دهد بلکه سؤالاتی را که قبلاً آماده کرده بین دانش‌آموزان توزیع می‌کند. و به آنان کمک می‌کند تا مفاهیم درس را به خوبی یاد بگیرند. نقش اصلی معلم در این روش ساختن سؤالات

کاربرد الگوی

همیاری در آموزش زبان

و ادبیات فارسی

حسین قاسم‌پور مقدم

نظام آموزشی صورت گرفت تا نحوه‌ی استفاده از آن در آموزش چند درس بررسی شده و در سطح وسیعی تعمیم داده شود اما به نظر می‌رسد به علت ضعف در برنامه‌ریزی و اجرای آن و تا حدی پای‌بندی معلمان به سنت‌ها، رغبتی از سوی آنان نشان داده نشد. در این نوشته سعی می‌کنیم تا با ارائه‌ی نمونه‌های واقعی و کاربردی ارزش و اهمیت آن را روشن ساخته و امیدوار باشیم که همکاران عزیز نسبت به شناخت و کاربرد آن توجهی خاص داشته باشند. در این‌الگو چند روش از جمله «طرح کارآیی گروه (تیم)»، طرح تدریس

مناسب است.

اصل اساسی در این روش آن است که حاصل هم اندیشی بیش از یک فرد بهتر و موثرتر است و همه‌ی دانش آموزان می‌توانند به کمک هم و از هم، نکته‌ها و مطالب را یاد بگیرند و از سوی دیگر همیاری علاقه و انگیزه‌ی افراد را نسبت به یادگیری بالا می‌برد.

ترتیب اجرای الگوی همیاری

معلم مواد آموزشی و یادگیری از قبیل متن خواندنی یا نوار صوتی و تصویری و نیز پرسش‌نامه‌ای آماده می‌کند. دانش آموزان به چند گروه مساوی تقسیم می‌شوند مثلاً کلاس چهل نفری به هشت گروه پنج نفری تقسیم می‌شود.

معلم درباره‌ی نحوه‌ی فعالیت دانش آموزان توضیح می‌دهد تا آنان بدانند که در آغاز فیلمی خواهند دید یا به نواری گوش خواهند داد یا متنی را مطالعه خواهند کرد. دانش آموزان به دنبال توضیحات معلم اوکین فعالیت را انجام می‌دهند و به این ترتیب برای پاسخ دادن به سؤالات آزمون آمادگی پیدا می‌کنند.

در مرحله‌ی بعد دانش آموزان پاسخ‌ها و موضوعات درسی را با سایر اعضای گروه به بحث می‌گذارند تا به پاسخ‌های مشترکی دست یابند. سپس دانش آموزان پاسخ‌نامه‌ی سؤالات را دریافت می‌کنند و به پاسخ‌های فردی و گروهی خود نمرده می‌دهند. پس از آن درباره‌ی درستی یا نادرستی پاسخ‌های خود گفت و گو می‌کنند و در نهایت در پایان جلسه آزمون دیگری مشابه آزمون اوکی برگزار می‌شود تا میزان یادگیری دانش آموزان ارزیابی شود.

اکنون سه نمونه‌ی زیر را به دقت بررسی کنید تا پس از آن به مراحل اجرای الگوی پردازیم:

نمونه‌ی ۱ فعالیت شماره‌ی ۱

دانش آموزان عزیز متن زیر را با دقت مطالعه کنید و پس از آن به سؤالات آزمون به صورت فردی پاسخ دهید:

از حافظ چه می‌توان آموخت؟

حافظ آموزگار نیست، معلم اخلاق نیست، واعظ نیست اما نفوذ کلام عظیمی دارد. شعرش بی‌آن که ارشادی و تعلیمی باشد، زندگی آموز سده‌ها و هزاره‌هاست. به راستی که قبول خاطر [یعنی قبول عام و اقبال تام مردم به شعر و سخن حافظ] و لطف سخن، خداداد است.

در این جا، می‌خواهیم ببینیم که از حافظ فرهیخته‌ی نکته‌دان چه‌ها می‌توان آموخت. پیش از پاسخ و به دست دادن فهرستی از تعلیمات هنرمندانه‌ی حافظ، باید به یک نکته‌ی هشدارآمیز مهم توجه کنیم و آن این است که بزرگ‌ترین حظی که از شعر حافظ و اصولاً هنر والا می‌توان برد، معلومات و تعلیمات نیست؛ بلکه لذت هنری و حظ روحانی است. هنر مانند کار نیست که فایده‌ی عملی و تأثیر عینی در زندگی ما داشته باشد. اگر کسی پرسد فایده‌ی عملی سمفونی‌های بتهوون چیست، به حکم عقل و عرف به او می‌خندند. مسجد شیخ لطف الله در اصفهان حتی به اندازه‌ی مسجد سرکچه‌ی من و شما که بسی فواید عبادی و اجتماعی دارد، کاربرد عملی ندارد. یک قالی یا قالیچه اگر بیش از اندازه‌ی متعارف ظریف و زیبا باشد، فایده‌ی عملی کم‌تری دارد و فی‌المثل باید مثل یک تابلو قابش گرفت. پس، برداشت فایده‌ی جوانه از هنر به آسانی مجاز نیست و غالباً به زیان هنر است و ما بسته‌به درجات هنرشناسی و سخن‌سنجی مان، در درجه‌ی اول، از رباعی خیام و غزل سعدی و حافظ حظ هنری می‌بریم.

برای روشنگری بیشتر، مثالی می‌زنیم. به نثر درآوردن شعر، یک شیوه‌ی غیر مرضیه‌ولی ناگزیر در شرح شعر و فی‌المثل در مفهوم‌سازی آن است ولی این عمل هر قدر که برای نوآموزان مفید باشد، از نظر هنری ویرانگر است و شعر را از افلاک به خاک می‌اندازد. باری، دنبال فایده‌ی عملی در شعر حافظ گشتن، یعنی جست‌وجوی فایده‌ی عملی و عرفی و روزمره در هنر والا، کاری بی‌حکمت است.

اکنون پس از این نکته‌ی هشدارآمیز مهم، به دنباله‌ی بحث بازمی‌گردیم تا ببینیم که از حافظ چه می‌توان آموخت.

(۱) مهم‌ترین چیزی که از حافظ می‌توان آموخت، نحوه‌ی نگاه و نگرش به زندگی است؛ به معنای وسیع کلمه‌ی زندگی که از جنین تا جنان و از سبزه تا ستاره و از ملک تا ملکوت را دربرمی‌گیرد. نگاه حافظ به زندگی، حتی به نازیبایی‌های زندگی و زندگی‌های نازیبا، زیباست.

حافظ برای آن که انتقادش به طعن و لعن و هجو شباهت نیابد، به مدد طبع خوش‌باش و خاطر امیدوارش، انتقادها را شیرین‌یعنی طنزآمیز می‌کند.

(۲) امیدواری و نشاط حیات:

دلا چو غنچه شکایت ز کار بسته مکن
که باد صبح نسیم گره‌گشا آورد

(۳) اغتنام فرصت حیات:

هر وقت خوش که دست دهد مغتنم شمار
کس را وقوف نیست که انجام کار چیست

(۴) آشتی جویی و ترک رنجش:

خواهی که سخت و سست جهان بر تو بگذرد
بگذر ز عهد سست و سخن‌های سخت خویش

(۵) اعتدال و میانه‌روی:

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای
فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد

(۶) ذم‌بخش، و مدح‌بخش:

ای توانگر مفروش این همه نخوت که تو را
سرور در کف همت درویشان است

(۷) ترک تعلق:

غلام همت‌آتم که زیر چرخ کیود
ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

(۸) ترک شکایت و تسلیم و رضا:

دلا مثال ز بیداد و جور یار که یار

تو را نصیب همین کرده است و این دادست
(۹) توکل:

تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار
که رحم اگر نکند مدعی خدا بکند

(۱۰) حسن خلق:

به خلق و لطف توان کرد صید اهل نظر
به بند و دام بگیرند مرغ دانا را

(۱۱) صبر و ثبات:

صبر کن حافظ به سختی روز و شب
عاقبت روزی بیایی کام را

(۱۲) صدق و اخلاص:

به صدق کوش که خورشید زاید از نَفَس

راز تازگی جاودانه‌ی حافظ

حافظ از این بخت برخوردار بود که در زمان حیاتش از قبول عام و اقبال تام عارف و عامی برخوردار شد؛ به عبارت دیگر، حافظ از زمان حیات و عهد میان سالی اش تا امروز - که بیش از شش صد سال می گذرد - همواره در ذهن و زبان و زندگی ایرانیان و فارسی زبانان حضور و حیات دارد.

حافظ حافظه‌ی ماست. ذهن و زبان و زندگی ما سرشته با حافظ است. دیوان حافظ فقط یک دفتر و دیوان نیست؛ نامه‌ی زندگی و زندگی نامه‌ی ماست. حافظ فراتر از ادبیات است. حافظ به ما ژرف زیستن و شاد زیستن می آموزد و یک تنه تکیه گاه ماست. هیچ کس چون او زیر و بم زندگی ما را نمی داند و در غم و شادی ما شریک نیست.

حافظ حکیمی متفکر و تفکرانگیز است؛ فرزانه‌ای است دارای اندیشه‌های عمیق حکمی و عرفانی و احساس‌ها و عواطف ژرف انسانی. بهترین حرف و حکمت قوم ما در شعر و با شعر بیان شده است و «شعر حافظ همه بیت الغزل معرفت است».

حافظ به جای آن که انسان کامل باشد، کاملاً انسان بوده است. بی آن که اهل دنیا باشد، دنیا و خوشی‌های دنیوی را مغتنم می شمرد. حافظ مظهر روح اعتدال و اعتدال روح اقوام ایرانی است.

در یک کلام، حافظ از آمال و آلام زنده و همیشگی انسان سخن می گوید و به جای مسائل ادبی به مسائل ابدی می پردازد. همه‌ی دار و ندار انسان دنیا و آخرت است. حافظ با زندگی راه رهایش دنیوی و با عشق راز گشایش و رستگاری اخروی را به ما می آموزد. پیام و دستاورد حافظ حتی اگر فقط عشق و رندی بود، کافی بود که به او تازگی و طراوت جاودانه ببخشد.

(بهاءالدین خرمشاهی (ولات ۱۳۲۴)، قزوین) نویسنده، مترجم، قرآن پژوه و کتاب شناس معاصر ایران است. از آثار اوست:

قرآن پژوهشی، ترجمه‌ی قرآن کریم، حافظ نامه، ذهن و زبان حافظ و ...
وی نویسنده‌ای خوش قلم، توانا و نکته پرداز است و تحقیقاتی ارزشمند در زمینه‌ی زندگی، آثار و اندیشه‌ی حافظ دارد.)

نمونه‌ی ۲ آزمون شماره‌ی ۱

دانش آموزان عزیز

الف- به طور انفرادی به سؤالات زیر پاسخ دهید.

ب- پاسخ‌های فردی را در گروه (تیم) بحث کنید و پاسخ نهایی را یادداشت کنید.

پ- پاسخ نامه (کلید) را دریافت کنید و پاسخ‌های فردی و گروهی را نمره گذاری کنید.

ت- به پاسخ‌های صحیح ۳ نمره و غلط ۱ نمره‌ی منفی اختصاص دهید. به پاسخ‌های بدون جواب نمره‌ای تعلق نمی گیرد.

ث- هر یک از جملات صحیح و غلط را با علامت (x) مشخص کنید.

۱- شعر حافظ به عنوان یک هنر در زندگی ما تأثیر عینی و فایده‌ی عملی دارد. ص غ

۲- بزرگ‌ترین خطی که از شعر حافظ می توان برد، حظ روحانی است. ص غ

۳- مهم‌ترین ویژگی حافظ روحیه‌ی توکل او به خداوند است. ص غ

۴- حافظ حتی به نازیبایی‌های زندگی خوش بینانه نگاه می کند. ص غ

۵- بیت زیر روحیه‌ی اعتدال و میانه روی حافظ را نشان می دهد: ص غ

دلا مثال ز بیاد و جور یار که یار تو را نصیب همین کرده است و این داد است

۶- بیت زیر آشتی جویی و ترک رنجش حافظ را نشان می دهد. ص غ

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته ات به دو دست دعا نگه دارد

۷- بیت زیر ما را به اخلاص و راستی دعوت می کند: ص غ

به صدق کوش که خورشید زاید از نفست که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست

۸- حافظ همیشه در ذهن و زبان ما ایرانیان حضور داشته است. ص غ

۹- دیوان حافظ در حقیقت نامه‌ی زندگی و زندگی نامه‌ی ماست. ص غ

۱۰- منظور از مصراع «شعر حافظ همه بیت الغزل است» این است که شعر حافظ معرفت واقعی معرفت و شناخت خداوند است. ص غ

۱۱- حافظ در اشعار خود ما را به ترک تعلق دعوت می کند. ص غ

۱۲- راز جاودانگی شعر حافظ در عشق و رندی اوست. ص غ

۱۳- نویسنده‌ی این متن بهاءالدین

خرمشاهی است. ص غ

۱۴- خرمشاهی یکی از شعرای معاصر ایران به شمار می رود. ص غ

۱۵- حافظ نامه کتابی در شرح ادبیات حافظ است. ص غ

نمونه‌ی ۳ کلید آزمون شماره‌ی ۱

۱- غ- هنر مانند کار نیست که فایده‌ی عملی و تأثیر عینی در زندگی ما داشته باشد.

۲- ص- به نظر نویسنده بزرگ‌ترین خطی که از شعر حافظ و اصولاً هنر والا می توان برد، معلومات و تعلیمات نیست، بلکه لذت هنری و حظ روحانی است.

۳- غ- حافظ ویژگی‌های اخلاقی والا می دارد که مهم تر از همه طرز نگاه و نگرش او به زندگی است؛ نگاهی متفاوت با دیگران.

۴- ص- نگاه حافظ به زندگی، حتی به نازیبایی‌های زندگی و زندگی‌های نازیبا، زیاست.

۵- غ- همان طور که از مضمون و معنی این بیت برمی آید حافظ در این بیت روحیه‌ی ترک شکایت و تسلیم و رضا دارد.

۶- غ- این بیت از ما می خواهد، طوری رفتار کنیم که اگر خطایی از ما سر زد، بتوان با دعا و توبه عذر آن را خواست و از خدا طلب عفو و بخشش نمود. بنابراین بیت ما را به اعتدال و میانه روی دعوت می کند.

۷- ص- حافظ در این بیت ما را به صدق و راستی و اخلاص فرامی خواند.

۸- ص- حافظ از زمان حیات و عهد میان سالی اش تا امروز همواره در ذهن و زبان و زندگی ایرانیان و فارسی زبانان حضور و حیات دارد.

۹- ص- حافظ حافظه‌ی ماست. ذهن و زبان و زندگی ما سرشته با حافظ است. دیوان حافظ فقط یک دفتر و دیوان نیست. نامه‌ی زندگی و زندگی نامه‌ی ماست.

۱۰- ص- تمام ادبیات دیوان حافظ ما را به معرفت واقعی رهنمون است.

۱۱- ص- یکی از ویژگی‌ها و روحیات اخلاقی حافظ این است که ما را به ترک تعلق دعوت می کند چنان که می گوید:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

۱۲- غ- راز جاودانگی حافظ فقط در عشق

ورندی او خلاصه نمی‌شود. بلکه عوامل زیادی مانند ویژگی‌های یاد شده در متن و پرداختن به آمال و آرزوهای همیشگی انسان در جاودانگی شعر او مؤثرند.

۱۳-ص- این متن را بهاء الدین خرمشاهی نوشته است.

۱۴-غ- او یکی از نویسندگان و مترجمان و پژوهشگران معاصر ایران است.

۱۵- خرمشاهی آثار متعددی دارد از جمله حافظ نامه، قرآن پژوهی، ذهن و زبان حافظ و... - بهاء الدین خرمشاهی در این کتاب برخی از ابیات حافظ را شرح داده است.

مراحل اجرای الگوی همیاری

مطالعه‌ی متن: در این جا ماده‌ی یادگیری یک متن خواندنی از کتاب ادبیات فارسی ۳ و ۴ است که دانش‌آموزان هر متن را در جلسه‌ی خاص آن درس در یک فرصت ۱۰ دقیقه‌ای مطالعه می‌کنند.

اجرای آزمون: این آزمون حاوی سؤال‌هایی از متن درسی یا فیلم و نوار آموزشی است که محتوای درس را تشکیل می‌دهد. ممکن است سؤالات به صورت صحیح-غلط، چند گزینه‌ای یا تکمیل کردنی باشد.

ما از سؤال‌های صحیح-غلط بهره گرفته ایم. در هر جلسه دو پرسش نامه تهیه می‌کنیم یکی را در حین یادگیری و دیگری را پس از یادگیری در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهیم. سؤالات باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز، طی آن به نتیجه‌گیری، استدلال و استنباط بپردازد و دانش‌آموزان به هنگام گفت و گو با یکدیگر از مهارت‌های گوش دادن، تفکر، مباحثه و ارزیابی به خوبی استفاده کنند. (۱۵ دقیقه)

بررسی پاسخ نامه (کلید): برای آن که دانش‌آموزان پاسخ‌های خود را به خوبی ارزیابی کنند. پاسخ نامه‌ای تهیه شده و به آنان داده می‌شود تا پس از گفت و گو با یکدیگر از میزان صحت پاسخ‌های خود مطمئن باشند.

(۵ دقیقه)

نمره‌گذاری: دانش‌آموزان با مقایسه‌ی پاسخ‌های فردی و گروهی با پاسخ نامه به پرسش نامه‌های خود نمره می‌دهند. هر دانش‌آموز کار فردی خودش را نمره‌گذاری می‌کند. نمره‌گذاری پاسخ‌های گروهی نیز توسط اعضای گروه صورت می‌گیرد. (۵ دقیقه)

نمره‌گذاری توسط دانش‌آموز او را قادر

تفسیر نمرات: ارزیابی و تفسیر معلّم ممکن است به گونه‌های زیر انجام گیرد:

اگر نمره‌ها بسیار پایین باشد می‌توان نتیجه گرفت که بحث و گفت و گو اعضای گروه‌ها مؤثر نبوده است. یا این که از متن تعیین شده به خوبی استفاده نشده است. اگر نمره‌ی گروه به پایین‌ترین نمره‌ی فردی نزدیک باشد می‌توان نتیجه گرفت که افراد ضعیف و کم اطلاع در بحث گروهی تأثیر بیشتری گذاشته‌اند. اگر نمره‌ی گروهی، از بالاترین نمره‌ی فردی بالاتر باشد می‌توان نتیجه گرفت اعضای گروه از طریق بحث و گفت و گو به سطحی از درک رسیده‌اند که بیشتر از درک فردی است. (۵ دقیقه)

نقد کار گروه: بخشی از

زمان یادگیری به نقد کار گروه‌ها اختصاص می‌یابد. از این طریق اعضای گروه عملکرد و یادگیری خود را مرور می‌کنند. آن‌ها به این نکته پی می‌برند که چطور ممکن است در جلسات بعدی عملکرد فردی و گروهی خود را بهبود بخشند. (۱۵ دقیقه)

ارزیابی پیشرفت فردی:

پس از اتمام نقد کار گروه‌ها، معلم آزمون دیگری به عمل می‌آورد. این آزمون و ارزیابی سطح پیشرفت و آمادگی دانش‌آموزان را برای یادگیری درس‌های بعدی نشان می‌دهد. (۱۰ دقیقه)



می‌سازد تا از میزان درستی یا نادرستی پاسخ‌های خود آگاه شده و در نتیجه نسبت به یادگیری عمیق‌تر شود.

تنظیم جدول نمرات: معلّم پایین‌ترین و بالاترین نمره‌های فردی و گروهی را با یکدیگر مقایسه می‌کند. میانگین نمره‌های فردی و گروهی را به دست می‌آورد و رتبه‌ی گروه‌ها را در میان سایر گروه‌های کلاس تعیین می‌کند. برای این منظور جدولی تنظیم می‌کند و اطلاعات لازم را در آن وارد می‌کند تا با مراجعه به آن، میزان یادگیری افراد و گروه‌ها را ارزیابی کند. (۱۰ دقیقه)

* منابع

- ۱- کتاب زبان و ادبیات فارسی ۴، سال دوم متوسطه، چاپ ۱۳۷۷، وزارت آموزش و پرورش.
- ۲- جزوه‌ی کارگاه آموزشی آشنایی با الگوهای نوین تدریس، گروه‌های آموزشی منطقه‌ی ۱۹ تهران.
- ۳- الگوهای تدریس، بروس جویس و دیگران، ترجمه‌ی دکتر بهرنگی، ۱۳۷۲.
- ۴- مبانی نظری تکنولوژی آموزشی، دکتر هاشم فردانش، انتشارات سمت، ۱۳۷۲.
- ۵- آموزش در دوره‌ی متوسطه، کالاهان و کلارک، ترجمه‌ی جواد طهوریان، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۰.